

نشریه علمی - پژوهشی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال پنجم، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۲، ص ۱۹۰-۱۵۷

## بررسی اشعار تعلیمی کودک و نوجوان در ادبیات معاصر

دکتر محمود صادق‌زاده\*

چکیده:

شاعران کودک و نوجوان ایران از میان انواع ادبی، بیشتر به ادبیات غنایی، تعلیمی و حماسی توجه کرده‌اند. از این رو نقش مایه‌های عاطفی همچون: مادر، پدر، معلم و...، در شعر کودک و نوجوان فراوان است. چندین منظومه حماسی نیز برای کودک و نوجوان سروده شده است؛ از جمله: منظومه‌ی آرش کمان‌گیر از سیاوش کسرای و منظومه‌ی ظهر روز دهم از قیصر امین‌پور.

به دلیل اهمیت زیاد مسأله‌ی تعلیم و تربیت، اشعار تعلیمی فراوانی نیز برای کودکان سروده شده است؛ به‌ویژه در دوران مشروطه که عصر توجه به تعلیم و تربیت کودکان است. نسیم شمال و ایرج میرزا در دوره‌ی مشروطه بیش از شاعران دیگر به تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان در اشعارشان پرداخته‌اند، اما در دوره‌ی کنونی بیشتر شاعران کودک به این مسأله، توجه کرده‌اند.

---

\* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد [sadeghzadeh@iauyazd.ac.ir](mailto:sadeghzadeh@iauyazd.ac.ir)

تاریخ پذیرش ۹۱/۱۱/۲۴

تاریخ وصول ۹۱/۷/۲۲

مهم ترین موضوعات شعر کودک و نوجوان در دوره معاصر، شامل مسایل اخلاقی، اجتماعی، علمی و فرهنگی و پایداری و اصلی ترین درون‌مایه‌های اشعار تعلیمی، آموزش خداشناسی، احترام به پدر و مادر، تأکید بر دوستی و علم آموزی و... است. در این جستار، جنبه های گوناگون ادبیات تعلیمی و موضوعات اجتماعی شعر کودک و نوجوان با واکاوی و تحلیل مهم ترین اشعار کودکانه از دوره مشروطه تا امروز بررسی می‌شود.

### واژه‌های کلیدی:

ادبیات تعلیمی، شعر معاصر، کودک و نوجوان، تعلیم و تربیت، مضامین پایداری.

### مقدمه:

هرچند بیشتر آثار ادبی، به طور مستقیم یا غیر مستقیم می‌کوشند مطالبی را به مخاطب بیاموزند، با این حال به شکل خاص «اثر تعلیمی، اثری است که دانشی (چه عملی و چه نظری) را برای خواننده تشریح کند یا مسائل اخلاقی، مذهبی و فلسفی را به شکل ادبی عرضه دارد» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۸۵). ادبیات تعلیمی (Didactic literatur) از قدیم ترین گونه های ادبی است که آثار آن، دارای ماهیتی میان رشته ای هستند و به طور مستقیم یا غیر مستقیم با دانش ها و رشته های دیگر ارتباط دارند (رضی، ۱۳۹۱: ۹۸). بنابراین، هدف خالق آثار تعلیمی، آموزش و تربیت است.

اگر چه این نوع ادبی در ادبیات فارسی، همواره اصیل و ارزشمند و از کارکردهای گوناگون و گسترده ای، همچون: آموزشی، اخلاقی، زبانی، مهارتی و فرهنگی برخوردار بوده است، ولی در دوره معاصر تحت تأثیر دگرگونی های اجتماعی و فرهنگی علاوه بر حفظ نقش های سنتی، حوزه ها، شیوه ها و ابزارهای آن گسترده و دگرگون شده است. یکی از رویکردها و حوزه های ادبیات تعلیمی امروز در قالب و ساختار جدید،

ادبیات تعلیمی کودک و نوجوان است (رضی، ۱۳۹۱: ۱۱۷-۱۱۶).

ادبیات کودک و نوجوان، معمولاً به آثاری اطلاق می‌شود که برای مطالعه اطفال و نوجوانان و به منظور سرگرمی و آموزش آنها فراهم شده است (مصاحب، ۱۳۸۰، ۷۲/۱). اشعار کودک و نوجوان ایران، به طور جدی از دوره مشروطه آغاز شده، در آن بیشتر از انواع ادبیات غنایی، تعلیمی و حماسی استفاده می‌شود؛ هرچند در این روزگار، هنوز مبحث ادبیات کودک و نوجوان در ایران، در چهارچوب یک مفهوم سنتی وجود دارد. اما «بنیادی‌ترین واقعیت که می‌تواند مبنای هر نظریه‌پردازی در حیطه ادبیات کودک باشد، این است که ادبیات کودک را کودک نمی‌آفریند، هر اثر ادبی هر اثر مکتوب که به گونه‌ای همزمان با عاطفه و شناخت کودک درآمیزد و موفق شود، امکان درهم‌آمیزی افق‌های دید و انتظارات آفریننده خویش و کودک را فراهم کند ادبیات کودک است» (خسرو نژاد، ۱۳۸۹: ۳۰).

طبق این تعریف و بر اساس دیدگاه کسانی که معتقدند شعر کودک شعری است که کودکان آن را می‌فهمند و بزرگسالان از آن لذت می‌برند، همه شعرهای شاعران عصر مشروطه را که با زبان و تخیل و هیجان کودک و نوجوان تناسب دارد، اشعار کودکانه به حساب می‌آوریم، حتی اگر مخاطب کودک نباشد، مانند بعضی از اشعار ایرج میرزا، ملک الشعرای بهار، پروین اعتصامی. به دنبال این اشعار پراکنده که گاهی در میان دیوان شاعران به چشم می‌آید، شاعرانی ظهور کردند که فقط برای کودکان شعر سرودند، مانند شعر زیر از دهخدا که بر ناسیونالیستی و استقلال فردی و اجتماعی (آزادی) تأکید می‌کند (پارسا، ۱۳۹۱: ۱۸۵):

هنوزم ز خردی به خاطر در است	که در لانه ماکیان برده دست
به منقارم آن سان به سختی گزید	که اشکم چو خون از رگ، آن دم جهید
پدر خنده بر گریه ام زد که: هان	وطن داری آموز از ماکیان

(دهخدا، ۱۳۶۶: ۱۲۵)

یا اشعار جبار عسکرزاده (معروف به باغچه‌بان) که با برگزیدن وزن و قالب‌هایی نزدیک به ترانه‌های عامیانه، با سادگی بیان و صمیمیتی که در اشعارش موج می‌زد، کودکان را به شعر خود جذب کرد و بدین ترتیب در حوزه شعر کودک، در ایران برجسته‌ترین شخصیت به شمار می‌آید (قاسم زادگان، ۱۳۸۷: ۴۶).

قورباغه سبز رنگ است      رنگ سبزش قشنگ است  
شبنای خوب دارد      افسوس حوض تنگ است

(عسکرزاده، به نقل از: هادی محمدی، ۱۳۸۴: ۷۷۷)

به هر حال، در نتیجه تحولات دوره نوگرایی و شکل‌گیری ادبیات کودک و نوجوان، «مفهوم کودکی» کم‌کم به اشعاری راه پیدا کرد که می‌توانست در خدمت مفاهیم مربوط به دنیای کودک باشد. ادبیاتی که مهم‌ترین نیازهای کودک به‌ویژه «بازی و کودکی» را به همراه داشت (سلاجقه، ۱۳۸۷: ۴۵۶).

در این جستار با تجزیه، تحلیل مهم‌ترین نمونه‌های شعر کودک و نوجوان معاصر و با بهره‌جستن از پژوهش‌ها و نقدهای صورت گرفته، به بررسی موضوعات و درون‌مایه‌های گوناگون ادب تعلیمی و اجتماعی و موضوعات اخلاقی و تربیتی آن‌ها پرداخته می‌شود.

## بحث

### ۱- بررسی پیشینه اشعار تعلیمی کودک و نوجوان در ادبیات معاصر

#### الف- دوره تجدد (مشروطه)

در دوران مشروطه، شعر فارسی بنا به ضرورت تاریخی و اجتماعی، جامعه فاجر و اشرافی‌اش را از تن به در کرد و با گریختن از تنگنای دیوان و دربار، به فراخانی میدان کوچه و بازار پا نهاد (سلاجقه، ۱۳۸۷: ۵۹). در این دوران که عصر دگرگونی فرهنگ و

تعلیم و تربیت و ادبیات است، شاعرانی می‌زیستند که با گرایش به زبان و ذهنیت مردم کوچه و بازار، شعر می‌سرودند و در میان اشعارشان، شعرهایی وجود داشت که به کار کودکان می‌آمد (کیانوش، ۱۳۵۵: ۳۵).

اشعار کودکانه ایرج میرزا (۱۴۴-۱۲۹۱ ق / ۱۳۰۴-۱۲۵۳ ش) از نظر سبک‌شناسی زمانی، برگرفته از فضای مشروطیت، ساده، گویا و همه‌فهم است (نجاریان، ۱۳۹۰: ۱۷۲) آنچه اشرف‌الدین حسینی در مجموعه‌ای با نام گلزار ادبی آورده است و هم‌چنین اشعار «کودک‌پسندی» که در دیوانش گرد آورده است و شاید هم صرفاً آنها را برای انتقاد از وضعیت زمانه‌اش سروده، اما «برای کند کردن تیغ تیز انتقاد خود و کنترل واکنش صاحبان قدرت و حکومت، حرف‌های خود را در ظرف زبان کودکانه ارائه می‌کند. او برای این منظور، گاهی راوی شعر را کودک قرار داده، مسائلی از زبان او در مکالمه با پدر، مادر و همشاگردی مطرح می‌کند» (غلامرضایی، ۱۳۸۹: ۱۰).

ایرج میرزا که هم‌دوره با اشرف‌الدین حسینی است و حتی بیشتر از او شعر کودکانه سروده است، از زبان کودکان این سرزمین می‌سراید:

ما که اطفال این دبستانیم	همه از خاک پاک ایرانیم
همه با هم برادر و وطنیم	مهربان هم‌چو جسم با جانیم

(ایرج میرزا، ۱۳۵۶: ۱۵)

شعر زیر نیز یکی از سروده‌های پرآوازه او به شمار می‌آید به طوری که «خواندن آن در خانواده‌های ایرانی، فراگیر بوده است» (هادی محمدی، ۱۳۸۴: ۶ / ۵۴۳).

داشت عباسقلی خان پسری	پسر بی‌ادب و بی‌هنری
اسم او بود علی‌مردان خان	کلفت خانه ز دستش به امان
پشت کالسکه مردم می‌جست	دل کالسکه نشین را می‌خست
هر سحرگه دم در بر لب جو	بود چون کرم به گل رفته فرو...

هر کجا لانه گنجشکی بود      بچه گنجشک در آوردی زود  
 نه پدر راضی از او نه مادر      نه معلم نه لاله نه نوکر  
 ای پسر جان من این قصه بخوان      تو مشو مثل علی مردان خان  
 (ایرج میرزا، ۱۳۵۶: ۱۵۵)

ایرج میرزا سروده‌هایی با عنوان‌هایی چون: «وطن دوستی، ستایش مادر، حق استاد، نصیحت پدر به فرزند» برای کودکان دارد. او گاهی «در اشعارش از نابرابری‌های اجتماعی هم سخن می‌گوید» (هادی محمدی، ۱۳۸۴: ۱۶/ ۵۴۰).

میرزا علی اکبر صابر هم اشعاری برای کودکان، به زبان ترکی سرود که برخی از اشعار اشرف‌الدین حسینی ترجمه شعرهای اوست. صابر، خالق «هوپ‌هوپ‌نامه»، نه تنها چشم بینا و جان آگاه انقلاب مشروطیت ایران است، بلکه در زمینه مورد بحث هم، آثار با ارزشی دارد (سلاجقه، ۱۳۸۷: ۳۸).

میرزا یحیی دولت‌آبادی با سرودن اشعاری آهنگین، راه را برای ادبیات کودک هموار کرده است. در دوران مشروطه، که تحولات چشمگیری در همه زمینه‌ها، از جمله ادبیات صورت گرفته بود، گرچه شاعران به فراست دریافته بودند که در شعر ویژه کودک باید تا جای ممکن از به کار بردن کلمات مهجور و دور از فهم کودکان اجتناب کرد اما هنوز روح اندرزگویی در شعر کودکانه این عصر دیده می‌شود. در این عصر، هنوز شاعران به این باور نرسیده بودند که تأثیر شگرف یک اثر ادبی در کودک، غیرمستقیم بودن آن است، لذا آنان بیشتر ناصحی ادیبند تا شاعر کودک (حجازی، ۱۳۸۵: ۳۶).

در بررسی دیوان پروین اعتصامی نیز، به شعرهایی مناسب کودک برمی‌خوریم. یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های قصه‌ها و مناظرات پروین جنبه تربیتی و اخلاقی آن است که در تربیت و تهذیب کودکان تأثیر زیادی دارد (طغیانی مختاری، ۱۳۹۱: ۲/ ۷۸۸).

اشعار پروین اگر هم برای کودکان سروده نشده باشد، مخاطب کودک خود را حفظ کرده است، چنانکه «اشک یتیم» سال‌هاست که در کتاب‌های دبستان خودنمایی می‌کند و بچه‌ها از شنیدن آن لذت می‌برند و می‌فهمند:

روزی گذشت پادشهی از گذرگهی فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست...

(پروین اعتصامی، ۱۳۵۵: ۱۴۳)

اصلی‌ترین مضامین قصه‌های تعلیمی پروین از نظر بسامد به ترتیب عبارتند از: مذمت خود پسندی و عیب‌جویی (۳۰ درصد)، تسلیم و رضا در برابر تقدیر (۲۲ درصد)، بی‌اعتباری دنیا و بی‌دوامی عمر (۲۰ درصد) و موضوعات دیگر نیز (۴۸ درصد) (طغیانی و مختاری، ۱۳۹۱: ۷۹۶/۲).

در میان اشعار ملک‌الشعرا بهار نیز شعرهایی می‌توان دید که کودکانه است. شعر زیر از اوست:

نام این سنجر، آن یک هوشنگ	دو نفر بچۀ مقبول قشنگ
راه یک مدرسه می‌پیموندند...	هر دو هم‌بازی و هم‌قد بودند
باعث زحمت اهل خانه	بود سنجر تُتر و دُرْدانه
دهنش کج شده و عر می‌زد	تا کسی حرف به سنجر می‌زد
داشت عادت به دروغ و دشنام	به کسی هیچ نمی‌کرد سلام
پس نمی‌رفت سوی مدرسه راست	صبح‌ها دیر ز جا برمی‌خاست
پدر و مادر و استاد و مدیر	روز و شب شاکی از آن طفل صغیر
قلم و کاغذ خود گم می‌کرد	متصل خنده به مردم می‌کرد
پسری ساعی و با عقل و هنر	بود هوشنگ به عکس سنجر
اهل منزل همه از او خوشنود	مادرش دائم از او راضی بود

(بهار، ۱۳۸۰: ۲ / ۲۴۱)

شعر «طیاره» هم در پایان دیوان استاد بهار در بخش اشعار کودکانه آمده است (رک: همان: ۵۹۵/۲).

### ب- دوره نوگرایی (پهلوی یکم و دوم)

با تأسیس حکومت پهلوی (۱۳۰۴ ه. ش)، مشروطیت از نفس افتاد و استبداد و سکوت و سکون ناشی از آن، جایش را گرفت. در این مقطع تاریخی، ایرج میرزا که جزء اولین شاعران کودک به حسابش آورده‌اند، درگذشت. اشرف‌الدین حسینی را مجنون خواندند و سرانجام در تنهایی و بی‌کسی جان سپرد. بهار هم، مانند بسیاری دیگر از ادبا و فضلا، به سمت تحقیقات ادبی و تاریخی بی‌خطر سوق پیدا کرد و به گمان نگارنده، شاید بشود گفت در این دوره، نه تنها کسی شعری با مخاطب کودک نسرود، هیچ‌گونه شعری که پسند کودکان باشد هم برایشان نگفت. با شروع جنگ جهانی دوم، هجوم متفقین به ایران و تبعید رضاشاه، استبداد تا حدودی رنگ باخت و دستگاه سرکوب و سانسور از هم پاشید و مجلات و نشریاتی در زمینه‌های ادبی، اجتماعی و... پا به عرصه وجود نهاد.

در این سال‌ها (۱۲۷۶ ش)، نیما به تکمیل و تکامل شیوه خود همت گماشت و متأثر از اشعار سمبولیست‌های اروپا، هم‌چنان بیان نمادین را به عنوان رکن رکن شعر خود حفظ کرد. گلچین گیلانی را می‌توان از پیروان او برشمرد که بحر طولی رماتیک با عنوان «باران» سرود (روزبه، ۱۳۸۱: ۱۴۷-۱۴۸) که هنوز هم ورد زبان کودکانه دیروز و امروز است. شعر باران، موسیقی و وزنی مناسب را به دنیای کودکان آورد (هادی محمدی، ۱۳۸۴: ۶ / ۷۵۶): باز باران / با ترانه / با گهرهای فراوان / می‌خورد بر بام خانه... (گلچین گیلانی، ۱۳۵۰: ۳).

عباس یمینی شریف (۱۲۹۸ ش) نیز با سرودن اشعاری شیرین برای بچه‌ها معروف



شد. اشعار او، سال‌ها در کتاب‌های درسی ایران خودنمایی می‌کرد (یا حقی، ۱۳۸۱: ۲۹۵). پروین دولت‌آبادی (۱۳۸۷-۱۳۰۰) و محمود کیانوش (۱۳۱۳ ش)، از کسانی به شمار می‌روند که بذر شعر کودک را در ایران پاشیدند. از شاعران نوپرداز، احمد شاملو (۱۳۷۹-۱۳۰۴)، دو شعر «پریا» و «دخترای ننه‌دریا» دارد که به حوزه ادبیات کودک راه یافته است و فروغ فرخزاد (۱۳۴۵-۱۳۱۳) با سرودن شعر «علی کوچکیه»، از جمله کسانی است که برای کودکان این مرز و بوم شعر سروده است. منظومه «آرش کمانگیر» از سیاوش کسرای نیز در حوزه شعر نوجوان جای می‌گیرد. حتی اگر برخی بگویند هدف شاعر از سرودن این شعر، «دمیدن روح مبارزه و جنگجویی در میان مبارزان ناامید پس از ۲۸ مرداد بوده است» (درستی، ۱۳۸۱: ۱۹۸).

احمد شاملو، منظومه بلند «پریا» را در سال ۱۳۳۲ سرود. این شعر، «محملی است برای بیان اندیشه‌های اجتماعی در زبان روایی و نسبتاً کودکانه» (سلاجقه، ۱۳۸۷: ۴۷۸-۴۷۷). شاملو خود درباره این شعر می‌گوید: «پریا، شعری بود که من مستقیماً به سفارش اجتماع نوشتم» (آبادی، ۱۳۶۵: ۴۱). پریای نازنین / چه تونه زار می‌زنین؟ /... پریا! قد رشیدم ببین / اسب سفیدم ببین / اسب سفید نقره نل / یال و دمش رنگ عسل... گردن و ساقش ببین! / باد دماغش ببین! امشب تو شهر چراغونه / خونه دبا داغونه / مردم ده مهمون‌مان / با دامب و دومب به شهر میان... (شاملو، ۱۳۸۰: ۱۹۷-۱۹۶).

«شاملو با کاربرد گسترده ترانه‌های کودکانه، در برخی از شعرهایش، کاری متفاوت از دیگران انجام داد؛ کاری که در تاریخ ادبیات ایران مخاطب دوگانه یافت هم بزرگسالان و هم کودکان و این، ارزش کار او را بیشتر می‌کرد» (هادی محمدی، ۱۳۸۴: ۶/۳۶). به هر حال، «شاملو چه این شعر را برای کودکان سروده باشد و چه نسروده باشد، پریا، امروز به حوزه ادبیات کودکان راه یافته است» (آبادی، ۱۳۶۵: ۱۳۴).

او در شعر دیگری به نام «قصه دخترای ننه‌دریا»، هم قشر کودک و هم بزرگسال را

در نظر گرفت و شعری آهنگین و هنرمندانه سرود: یکی بود، یکی نبود / جز خدا هیچی نبود / زیر این طاق کبود، / نه ستاره / نه سرود / عمو صحرا، تپلی / با دو تالپ گلی / پا و دستش کوچولو / ریش و روحش دوقلو / چپش خالی و سرد / دلکش دریای درد / در باغو بسّه بود / دم باغ نشسته بود: / «عمو صحرا! پسرات کو؟» / لب دریان پسران. / دختری ننه دریا رو خاطر خوان پسران... (شاملو، ۱۳۸۰: ۴۰۰-۳۹۹).

نیما (۱۲۷۶ ش) نیز چندین شعر ویژه کودکان دارد. آواز ققنوس و بهار، دو شعر کودکانه از این شاعر نوپردازند. نیما در شعر آواز ققنوس، «با بندهایی کوتاه که به گنجایش شناختی کودک نزدیک است، از زبان بلبل سخن می‌گوید و به نغمه غمگین بلبل اشاره می‌کند که در عشقه‌های سیاه می‌خواند:

من مرغک خواننده‌ام / می‌خوانم من، نالنده‌ام / پرورده ابر و گلم / می‌خوانم من، من بلبل» (نیما، ۱۳۵۰: ۱).

شعرهای «بچه‌های خوب»، «زنبور عسل» و «کودکان شاد» از کارهای دیگر اوست.

### ج- عصر انقلاب

به دنبال هر انقلابی، ساختارها و هنجارهای ادبی نیز دچار تحولاتی از حیث فرم، محتوا و نگرش می‌شوند. با استقرار نظام جمهوری اسلامی، نوعی دگرگونی در هنجارهای جامعه صورت گرفت و در ادبیات هم بالطبع تغییراتی به وجود آمد. ضمن اینکه جنگ تحمیلی، نیز در شعر بسیاری از شاعران تأثیری عمیق بر جای گذاشت و به‌رغم اصرار برخی که معتقد بودند، مضامین مربوط به جنگ را نباید در شعر کودک و نوجوان گنجاند. این مضامین، ناخواسته وارد شعر کودک شد. «جنگ بر ما تحمیل شده بود. نوشتن درباره جنگ هم خودش را تحمیل کرد. وقتی بچه‌ها جای خالی بابا را حس کردند و مجبور شدند درس آذیرهای قرمز را از رادیو و تلویزیون با ترس و لرز

بیاموزند. دیگر نویسنده و شاعر بچه‌های ایرانی نمی‌توانست از جنگی که با ابعاد مختلف زندگی مخاطبانش را تحت تأثیر قرار داده است، غافل بماند» (رحماندوست، [www.Rahmandoost.org](http://www.Rahmandoost.org)).

از مطرح‌ترین شاعران کودک و نوجوان پس از انقلاب، می‌توان به مصطفی رحماندوست، افسانه شعبان‌نژاد، اسدالله شعبانی، ناصر کشاورز، جعفر ابراهیمی و افشین علاء اشاره کرد. از شاعرانی چون قیصر امین‌پور و سلمان هراتی که در حوزه بزرگسالان شعر سروده‌اند نیز، برای نوجوانان اشعاری به‌یادماندنی به جا مانده است. «ادبیات کودک و نوجوان در سال‌های پس از انقلاب، یک دوره تحول را، هم در عمق و هم در پوسته‌اش دنبال کرده است» (عموزاده خلیلی، ۱۳۸۷: ۸۷). ادبیات نوجوان هم پس از انقلاب شکل گرفت، وقوع جنگ تأثیر زیادی بر ادبیات این گروه سنی داشت و هشت سال جنگ، سال‌های رشد و شکوفایی ادبیات نوجوان بود (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۸۲).

شعر کودک و نوجوان از قافله عقب‌نماند و اشعار زیبایی در دفتر شعر انقلاب حک شد. به هر حال، شعر انقلاب، «شعر مقاومت، شعر حماسه، شعر اعتراض، شعر فریاد، شعر جنگ و شعر شهادت است و شاعر شعر انقلاب، شاعر مردم است» (مکارمی‌نیا، ۱۳۸۵: ۴۶). در بیشتر شعرهایی که محور آنها جنگ و شهادت است، شاعران عموماً از منظر دفاع مقدس به این مقوله نگریسته‌اند و کمتر جنبه‌های زشت و منفی جنگ را نشان داده‌اند (نظرآهاری، ۱۳۷۹: ۱۱) جز پاره‌ای موارد که در شعر کودکانه برخی از شاعران جنگ به آن پرداخته شد. مثل شعر زیر که خشونت ناشی از جنگ و ویرانی در آن انعکاس یافته است: صدای موشک آمد، شهر لرزید / کبوترها هراسان پر کشیدند / درختان چنار و کاج با هم / کنار کوچه‌ای ویران خمیدند / صدای ناله آمد، باد پیچید / غبار آهسته بالا رفت، بالا / تمام شیشه‌های آسمان ریخت / شکست آینه خورشید زیبا

/ تمام کوچه در آوار گم شد / کسی چون لاله پرپر شد دوباره / کسی که خنده شادی به لب داشت / تمام پیکرش شد پاره پاره / زنی در خانه شاید رخت می شست / و یا شاید به گل ها آب می داد / و یا شاید کنار گاهواره / دو چشم کودکش را خواب می داد... (شعبانی، ۱۳۷۶: ۵).

گرچه در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب، ادبیات تابع جو موجود شد و حوزه ادبیات کودک و نوجوان، خواه ناخواه، به سمت موضوعاتی سوق پیدا کرد که کاملاً سیاسی بود، اما رفته رفته نویسندگان و شاعران کودک، به فضای واقعی ادبیات کودک و نوجوان برگشتند و اشعار دیگری هم علاوه بر اشعار سیاسی در قالب شعر کودکانه، سرودند (پریخ، ۱۳۸۷: ۸۱). اشعاری که دیگر متعلق به دنیای کودک است، با دنیای بزرگسالی جابه‌جا نشده است. اشعاری که چون کودک می‌تواند احساسات و واژگان بزرگسالان را فهم و هضم کند، به آن پشت نمی‌کند یا با بی‌میلی از آنها نمی‌گذرد (سنگری، ۱۳۸۲: ۹۲)؛ حتی اگر در این اشعار موضوعی مانند جنگ، مطرح شده باشد و اگر از خصوصیات بزرگسالی مثل رشادت، دلیری، قهرمانی و دفاع از آب و خاک، سخن به میان آمده باشد: یک عمر خوانده بودیم / دارا انار دارد / در دست کوچک خود / سارا انار دارد / ما مشق می‌نوشتیم / با شور و شادمانی / غافل از اینکه دارا / حتی نداشت نانی / سارا گلوله‌ای خورد، وقتی شعار می‌داد / هنگام مرگ، خونس / بوی بهار می‌داد / در دست‌هایش امروز / دارا تفنگ دارد / با دشمنان سارا / او قصد جنگ دارد / دارا که مشق ما بود / در جبهه‌هاست امروز / درس شجاعت او / سرمشق ماست امروز (علاء، ۱۳۸۷: ۵).

## ۲- توجه به موضوعات ادب تعلیمی در شعر کودکان و نوجوان

به هر حال، مسأله تعلیم و تربیت تا آن اندازه مهم است که شاعران نوگرای مشروطه

تا به امروز هم در کنار مسائل عاطفی، اخلاقی، بازی و سرگرمی همیشه به مسأله آموزش و تعلیم کودکان توجه نشان داده‌اند و اشعاری در این باره زمزمه کرده‌اند و بر دل کاغذ نوشته‌اند. عباس یمینی شریف، یکی از اولین شاعران کودک، آموزگار بود. بنابراین، همواره در اشعارش تلاش کرده است، از مفاهیم درست و نکوهش موارد نادرست برای مخاطبانش بگوید. حتی گاهی مضامین درسی را نیز با استفاده از زبان شعر به کودکان آموزش می‌دهد.

او می‌گوید: «موضوع شعر، گاه خود پیش می‌آمد و محیط القاء می‌کرد، گاه برای بیان منظوره‌های خاص، موضوع‌های من انتخاب می‌شد. فی‌المثل بنا به وظیفه یک معلم و مربی از جمله کارهای من این بوده است که گاه در برابر موضوع شعری که از سابق وجود داشته و در اذهان جای گیر شده است، ولی از نظر اجتماعی و تربیتی و تأثیر روانی در آن، عیبی تشخیص می‌دادم و زیان‌آورش می‌دیدم، شعری از نو می‌ساختم و منتشر می‌کردم به امید این که روزی جایگزین آن شود» (یمینی شریف، ۱۳۸۰: ۷۴).

این دو شعر از اوست: من که از گل بهترم / پسر من پسر من / در دبستان همه را / مثل خود می‌شمرم / مادر از من راضی است / هست راضی پدرم.  
بچه‌ها من دخرتم / در خوش‌زبانی نویرم / در خانه‌داری ماهرم / وقتی که پیش پدرم / شیرین به مثل شکر (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۷۵).

ایرج میرزا موفق شد برای کودکان شعرهایی هدفمند بگوید؛ او تنها برای سرگرمی آنان شعر نگفت بلکه بیش از هر چیز به آموزش آنها می‌اندیشید. در واقع می‌شود گفت: اولین اشعار آموزشی به صورت جدید را باید در آثار او دید.

-گونه‌های شعر آموزشی: شعر آموزشی بیشتر به دو گونه اصلی بیان شده است: الف) اشعاری که با صراحت و زبان مستقیم سروده شده‌اند؛ چنان که گویی فرد بزرگسالی کوچک‌ترها را خطاب قرار می‌دهد و آنان را به کاری امر و از کاری نهی می‌کند.

ب) «اشعاری که شیوه بیان در آنها صراحت زبان اشعار دسته اول را ندارد، ولی با بیان غیرمستقیم تر به توصیه و پند و اندرز می پردازد. هر دو گونه این شعرها، با عنوان شعر آموزشی معروف شده اند» (گرمارودی، ۱۳۸۲: ۱۹۷-۱۹۶).

نوع اول را بیشتر در اشعار شاعران کلاسیک، همچون نظامی، ابن یمن و... و نوع دوم را در اشعاری چون ایرج میرزا و پس از او می توان سراغ گرفت و شامل موضوعات گوناگون آموزشی، اخلاقی و فرهنگی است که به مهم ترین آن‌ها اشاره می شود:

- آموزش خدانشناسی:

پنجره آسمان / باز شده رو به باغ / باغ گرفته است باز / از گل و غنچه سراغ /  
حلقه زده توی باغ / قهقهه آبشار / مثل نسیمی سبک / می پرد از شاخسار /... / بر سر  
هر شاخه ای رنگ طلا ریخته / روی پر چلچله / بوی گل آویخته / غنچه کشانده به باغ  
/ این همه پروانه را / باز بهاری شده / خنده پروانه ها / قصه سبز بهار / از غم و غصه  
جداست / این همه زیبایی از / قدرت سبز خداست (حمزه ای، ۱۳۷۶: ۱).

- مهربانی، پاکی و تازگی:

کاش می شد مثل باران می شدیم / مهربان و تازه و بی ادعا / نرم با آوازهای شاد  
خود / رقص می کردیم روی سبزه ها... / کاش می شد کینه ای در ما نبود / با نشاط و پاک  
و خندان می شدیم / مهربان و تازه و بی ادعا / کاش می شد مثل باران می شدیم  
(ملامحمدی، ۱۳۷۸: ۳).

- دوستی و همیاری:

کیبوتره یه دوست می خواست / داد زد و گفت: «بقو بقو» / کی دوست من می شه،  
بگید / گنجشکه اومد پیش او / گنجشکه گفت: اما فقط / من جیک و جیک جیک بلدم  
/ بق بقو یادم بده / حالا که پیشت اومدم (شعبان نژاد، ۱۳۹۰: ۲۸).

-آموزش/اعداد: دو تا بردار از ده / زمین خشک و هوا خشک / چه می ماند از آن هشت؟ / از اینجا تا کجا خشک! (کیانوش، ۱۳۶۹: ۳۶)

### الف- موضوعات اخلاقی

بی گمان از دورترین روزگار، شعرا اگر شعری مناسب حال کودکان سروده‌اند، از اخلاق و تربیت آنها غافل نبوده‌اند. حتی اگر در اشعار خود از آوردن تعبیرات و کلمات دور از ادب پروایی نداشتند، آنجا که فرزند خود را خطاب قرار می‌داده‌اند یا همه فرزندان ایرانی را، از جادهٔ ادب و اخلاق خارج نشده‌اند و برای ارشاد و پندآموزی آنان کوشیده‌اند. «ظاهراً این سنت پسندیده را نظامی در خمسه بنیان نهاده و دیگرانی چون ابن‌یمین با قطعه و عبدالرحمن جامی با مثنوی و فتحعلی‌خان صبای کاشانی با قصیده و عبرت نایینی با غزل و ملک‌الشعراى بهار با چهارپاره به آن پرداخته و از آن پیروی کرده‌اند» (گرمارودی، ۱۳۸۲: ۱۳۶).

نظامی جزو اولین کسانی است که شاید بتوان گفت شعر کودکان سروده‌اند؛ گرچه برخی می‌گویند: حتی همان زمان هم این گونه اشعار برای استفادهٔ کودک نبوده، منطق با زبان و حال او سروده نشده است، اما به هر حال به نوعی به کودک مربوط است. ابن‌یمین فریومدی از جمله کسانی است که به سنت سلف خود در ارشاد فرزندش اشعاری دارد که در قالب قطعه است:

ای پسر را هم‌نشین اگر خواهی	هم‌نشینی طلب ز خود بهتر
ز آن که در نفس همدم از همدم	نقش پیدا شود به خیر و به شر
مثل اخگر که با همه گرمی	سرد گردد به وصل خاکستر

(فریومدی، ۱۳۴۴: ۳۴۸)

جامی در منظومه‌ی «یوسف و زلیخا»، فرزندش یوسف را از معاشرت با «صوفیان خامکار» برحذر می‌دارد و به او درسی اخلاقی می‌دهد:

مکن با صوفیان خام یاری  
 طریق پخته‌کاری را ندانند  
 که باشد کار خامان خامکاری  
 به خامی میوه از باغت فشانند...  
 (جامی، ۱۳۲۵: ۱۷۸)

یا ایرج میرزا به فرزندش می‌گوید:  
 هان ای پسر عزیز دل‌بند  
 زین گفته سعادت تو جویم  
 می‌باش به عمر خود سحرخیز  
 دریاب سحر کنار جو را  
 صابونت اگر بود می‌سُر  
 با حوله‌ی پاک خشک کن روی  
 کن پاک و تمیز گوش و گردن  
 تا آن که به پهلویت نشیند  
 بشنو ز پدر نصیحتی چند  
 پس یاد بگیر هرچه گویم  
 وز خواب سحرگهان پرهیز  
 پاکیزه بشوی دست و رو را  
 بر شستن دست و رو چه بهتر  
 پس شانه بزن به موی و ابروی  
 کاین کار ضرورت است کردن  
 چرک گل و گوش تو نیند  
 (ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۳۴-۱۳۵)

«مضامین شعر کودک، اگر سنجیده انتخاب شود، پرورنده روح اوست، گسترنده ذهن اوست و نگاه‌دارنده او در مسیر سلامت که طبیعت او را ارزانی داشته است» (کیانوش، ۱۳۵۵: ۱۰۴-۱۰۳). ایرج میرزا به عنوان اولین شاعر کودک و نوجوان در ادبیات نوین ایران، اندرز را در شعر کودک ارائه کرده است. اصولاً هنر ایرج، ساده‌گویی به شیوه قدماست. ابیاتی که از ایرج میرزا برای کودکان باقی مانده، از سلامت درخوری برخوردار است.

نتیجه این که، این اشعار ناصحانه، اولین قدم‌های شعر آموزشی و اخلاقی کودکانه ایرانی از قدیم تا به امروز است و برخی دیگر هم، خصوصاً هم‌دوره با ایرج، اشعار



آموزشی برای کودکان سروده‌اند که مهمترین آنها نسیم شمال است، مانند:

گوشه‌ی خلوتی وحید و فرید	راستی را دروغ روزی دید
سر نهاده به زانوی ماتم	تک و تنها غریب و بی‌همدم
غیرمعدودی از هنرمندان	کس نبودی به دور او چندان
با دو صد عشوه و دل‌آرایی	گفت با وی دروغ هر جایی
از چه خلوت نشسته مستوری	تو که در چشم اهل حق نوری
راستی چشم خویش را بگشود	چون دروغ این طریق نطق نمود
غرق لعل و جواهر و گوهر	شاهدی دید با زر و زیور
کف به کف می‌زدند صف در صف	جاهلان گرد او به ذوق و شعف
چون منم هم‌چو اهل حق یکرنگ	راستی گفت با دروغ دو رنگ
قدر من اهل علم می‌دانند	این دو رنگان ز من گریزانند
مرغ شبکور از او گریزان است	راستی آفتاب تابان است

(گیلانی، ۱۳۸۵: ۸۰۰-۷۰۹)

به هر حال، اصلی‌ترین مضامین اخلاقی که شاعران کودک از دوره‌ی مشروطه بر آن تأکید داشته‌اند، خداشناسی، هنرآموزی و دانش‌جویی، بلندهمت‌ی، احترام به استاد و آموزگار، پاکدامنی و ستایش مادر و وطن است؛ شعر «مادر» ابرج میرزا در این زمینه معروف است که هرچند مخاطب آن فقط کودکان نیستند، با این حال نمونه‌ای از شعر کلاسیک به شیوه‌ی کودکانه به شمار می‌رود که سال‌ها در کتاب دوم ابتدایی مندرج بوده است.

در اشعار معاصران هم مضامین اخلاقی را به گونه‌ای مختلف می‌توان جست؛ مخصوصاً اینکه هرچه از دوره‌ی مشروطه به این طرف برای کودکان شعر سروده شد،

مفاهیم و موضوعات، واقع‌بینانه‌تر انتخاب شد و شاعران کوشیدند از دریچه نگاه کودک به مسائل بنگرند و از واژگان و مفاهیم آشنای کودک بهره ببرند (سنگری، ۱۳۸۲: ۹۶-۹۱) و موضوعات اخلاقی را هنرمندانه در کام ذهن و ضمیر کودکان پیش از دبستان و مدرسه‌ای بریزند. مانند:

*احترام به استاد: همچون شعر معروف «حق استاد» از ایرج میرزا:*

گفت استاد مبر درس از یاد	یاد باد آنچه به من گفت استاد
یاد باد آنکه به من یاد آموخت	آدمی نان خورد از دولت یاد
هیچ یادم نرود این معنی	که مرا مادر من نادان زاد
پدرم نیز چو استادم دید	گشت از تربیت من آزاد
پس مرا منت از استاد بود	که به تعلیم من استاد، استاد
هر چه می‌دانست آموخت مرا	غیر یک اصل که ناگفته نهاد
قدر استاد نکو دانستن	حیف استاد به من یاد نداد
گر بمر دست روانش پر نور	ور بود زنده خدا یارش باد

(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۷۱)

-زشتی دروغ: شکوه قاسم‌نیا از زشتی دروغ‌گویی می‌گوید: بشقاب چینی افتاد / از توی دستم الان / شکست و صد تکه شد / وای چی بگم به مامان / دروغ بگم، نه زشته / می‌گم که کار منه / آخ اگه دعوام کنه / قلب منم می‌شکنه (قاسم‌نیا، ۱۳۷۷: ۱۲).

- ستایش مادر و قدردانی از زحمات او: مادرم پای تنور / صورتش گل انداخت / مادرم نان می‌پخت / شعله هم گل می‌ساخت / شعله گل‌هایش را / در هوا تا می‌کاشت / مادرم نان‌ها را / یک به یک برمی‌داشت / صورت مادر بود / مثل باغی پر گل / بوی خوبی می‌داد / مثل بوی سنبل / در نگاه مادر / آسمان پیدا بود / آبی چشمانش / مثل یک دریا بود (احمدی، ۱۳۷۶: ۸).

— احترام به پدر: باز می‌بینمش آن گوشهٔ باغ / پدرم را که بهاری شده است / زیر سرسبزی زیبای درخت / پرآواز قناری شده است (سپاهی یونس، ۱۳۷۹: ۱۰).

— درس خداشناسی: خدا در آسمان است / خدا پایین و بالاست / میان قلب جنگل / درون سینهٔ ماست / خدا سبزی جنگل / خدا آبی دریاست / خدا لبخند مادر / و گاهی اخم باباست / خدا مثل اناری / به روی شاخه پیداست / خدا نقاشی برگ / خدا این شعر زیباست (مزینانی، ۱۳۷۷: ۲).

— خوش‌بینی: دنیا نه زیباست / نه زشت زشت است / نه چون جهنم / نه چون بهشت است / نه چون گلستان / نه چون بیابان / از عینک ماست / خوب و بد آن (رحماندوست، به نقل از: سلاجقه، ۱۳۷۸: ۱۰۱).

— احترام به سالخورده‌گان: پیرزن / یکی یه دونه / پیرزن / چه مهربونه / پیرزن / برکت خونه / پیرزن / خودش می‌دونه / پیرزن / دونه به دونه / پیرزن دعا می‌خونه / پیرزن / پاک و تمیزه / پیرزن / خیلی عزیزه / پیرزن / پای سماور / پیرزن / چایی می‌ریزه (وجدانی، به نقل از: سلاجقه، ۱۳۸۷: ۳۷۷).

#### — بیان مسائل اخلاقی از طریق داستان‌های حماسی.

از آن جا که حماسه‌ها، خاطره‌هایی دور از دوره‌های نخستین است و به صورت قصه‌ها و افسانه‌های شفاهی، سینه به سینه نقل می‌شد، کودکان همواره به شنیدن آن علاقه‌مند بودند که پدران و پدربزرگ‌ها برایشان می‌گفتند. کودکان به شاهنامه، علاقه داشتند و در دوره‌های مختلف تاریخی، در مکتب‌خانه‌ها آثار حماسی از جمله شاهنامه و حتی در دوره‌ای تاریخی خاوران نامه ابن‌حسام خوسفی که منظومه‌ای حماسی مذهبی است، تدریس می‌شد. زمانی که اولین اشعار کودکان برای کودکان سروده شد، به دلیل جو حاکم بر جامعه و احساس تحقیر از جانب بیگانگان و وجود نهضت بیداری‌بخش مشروطیت، توجه شعرا به وطن‌پرستی و افتخارات گذشتگان بیش از پیش

جلب و ستودن وطن و سرزمین پدری، درون مایه بسیاری از اشعار کودکان شد. سال‌ها بعد، چندین منظومه حماسی از جمله: آرش کمانگیر از سیاوش کسرای و منظومه حماسی مذهبی ظهر روز دهم از قیصر امین‌پور، برای نوجوانان سروده شد. ضمن اینکه برخی از شاعران کودک و نوجوان، در اشعاری که برای قشر کودک و نوجوان سرودند، از نمادهای پهلوانی و اسطوره‌ای بهره جستند.

حضور دیو، قهرمانان و شخصیت‌های اسطوره‌ای که کسی همتایشان در قدرت نیست؛ در حماسه‌های ملی کودکان را به شنیدن حماسه‌ها مشتاق می‌کرده است. در ضمن، اشعار حماسه‌ها، اصولاً ساده و روان است و فهمیدن آن هم برای کودکان دشوار نبوده است. از آن زمان که می‌توان گفت برای کودکان به صورت خاص شعر گفته شد، شاعران کودک، با توجه به اشتیاق کودکان از شنیدن چنین داستان‌های منظومی سعی کردند در سروده‌هایشان از شخصیت‌های اسطوره‌ای و قومی برای بیان دیدگاه‌های خود بهره ببرند.

در منظومه آرش کمانگیر، توصیف بارش برف در مقدمه، که بارشی بی‌آغاز و بی‌پایان است؛ هم‌چنین استفاده از سنت داستان‌گویی برای بچه‌ها در کنار شعله آتش هم‌چون نقل حماسه‌های کهن، مفاخره آرش و بی‌نشانی پیکرش که شخصیتش را به طرز زیبایی به اساطیر پیوند می‌دهد، همه در خدمت فضایی حماسی و مبنی بر احساسات ملی درآمده‌اند (سلاجقه، ۱۳۸۷: ۴۹۵-۴۸۹)

و اینک بخشی از این شعر: برف می‌بارد / برف می‌بارد به روی خار و خاراسنگ / کوه‌ها خاموش، / دره‌ها دلتنگ؛ / راه‌ها چشم انتظار کاروانی با صدای زنگ / بر نمی‌شد گر ز بام کلبه‌ها دودی، / یا که سوسوی چراغی گر پیامی مان نمی‌آورد، / رد پاها گر نمی‌افتاد روی جاده‌ها لغزان، / ما چه می‌کردیم در کولاک دل‌آشفته دمسرد؟ / آنک، آنک کلبه‌ای روشن، / روی تپه، روبروی من / در گشودندم / مهربانی‌ها نمودندم / زود

دانستم که دور از داستان خشم برف و سوز، / در کنار شعله آتش، / قصه می گوید برای  
بچه‌های خود عمو نوروز... (کسرای، ۱۳۸۳: ۵۷-۵۴).

— رستم، نماد پهلوانی: امروز من تنهای تنها / توی اتاقم مانده بودم / چون خواهرم را  
وقت بازی / این بار هم ترسانده بودم / من توی بازی می شوم دیو / پر زورتر از من  
کسی نیست / او می شود زندانی من / زندان او صندوق بی بی است / بابا کنارم آمد و  
گفت / من می شوم امروز رستم / حالا که تو یک دیو هستی / من آمدم با تو بجنگم /  
بابا مرا با یک اشاره / توی هوا چرخاند و چرخاند / با اینکه می خندید بابا / قلب مرا از  
ترس لرزاند / امروز فهمیدم که بابا / مانند رستم پهلوان است / من می شوم رستم از  
امروز / زیرا شجاع و مهربان است (راد، ۱۳۷۷: ۱۸).

### ب- مسائل اجتماعی و فرهنگی

جامعه و تغییرات و دگرگونی‌های آن، نگرش ادبا و شعرا را تحت تأثیر قرار می دهد  
و بالطبع آثاری که خلق می شود، از این تأثیر برکنار نمی ماند، اما این تأثیر را می توان در  
شعر کودک و نوجوان به دو صورت بررسی کرد:

۱- آثاری که شاعران، اندیشه‌های اجتماعی خود را در قالب زبان نسبتاً کودکانه به  
صورت سمبلیک ارائه می دهند که البته این گونه سخن گفتن «همواره به خاطر پرهیز از  
عقوبت سیاسی نبوده و نیست، بلکه استفاده از آن هنر که این را هنر گنگ نامیده‌اند، شاید به  
مثابه لعاب شیرینی بوده که بر روی کپسول یا قرص سخن تلخ می کشیدند تا مذاق مردمان  
از عوام و خواص به شنیدن آن راغب شود» (گرمارودی، ۱۳۸۲: ۱۸۱).

۲- آثاری که در پیوند با انعکاس تصاویر انقلاب‌ها، در ایران (انقلاب مشروطه،  
انقلاب اسلامی) شکل گرفته است.

یکی از داستان‌های منظوم قدیمی، «قصه موش و گربه» از عبید زاکانی است که در  
آن حیوانات به ایفای نقش می پردازند. گرچه برخی معتقدند در این قصه منظوم، «شاعر

به اسم اینکه می‌خواهد برای کودکان قصه‌ای بگوید، روی سخنش با بزرگسالان است و نظریات سیاسی خود را ارائه می‌دهد و در حقیقت، باید آن را شعر سیاسی در شعر کودک روزگار کهن نامید» (گرمارودی، ۱۳۸۲: ۱۸۲)، اما آنچه مسلم است، اطفال این اشعار را می‌خواندند و لذت می‌بردند ولو اینکه معنای سیاسی آن را فقط بزرگ‌ترها می‌فهمیدند. چه بسا با خواندن این‌گونه اشعار سیاسی از سوی کودکان که ابایی در گفتن برخی مسائل ندارند، صاحبان قدرت به خود می‌آمدند و اندرز هم می‌پذیرفتند. قرائن موجود نشان می‌دهد پرکشش بودن قصه موش و گربه و ویژگی قافیه آن، خوانا، جانا، دانا و...، به همراه سادگی در لفظ و بیان در آن عصر، سخت مورد توجه کودکان قرار گرفته است.

از قضای فلک یکی گربه	بود چون اژدها به کرمانا
[گربه‌ای دوربین و شیرشکار	کهربا چشم و تیز دندانان]
شکمش طبل و سینه‌اش قاقم	[برویش قوس و تیر مژگانا]...
	(دیوان عبید زاکانی، ۱۳۸۴: ۳۶۰-۳۵۹)

این هم شعری که دهخدا برای بزرگسالان به سیاق کودکان سروده است و هدفی سیاسی دارد:

- خاک به سرم بچه به هوش آمده	بخواب ننه یه سر دو گوش آمده
گربه نکن لولو می‌باد می‌خوره	گرگه می‌یاد بزبزی رو می‌بره
- اه... اه... ننه آخر چته؟ گشمنه	- بترکی این همه خوردی کمه؟...
	(دهخدا، ۱۳۶۱: ۴)

برخی از اشعار نسیم شمال، شعرهای «به علی گفت مادرش روزی» از فروغ فرخزاد، «پریا»، «قصه دخترای ننه‌دریا» و «بارون» از شاملو در این دسته اشعار جای می‌گیرند. منظومه «بارون» احمد شاملو به دلیل «بهره‌گیری از زبان عامیانه و فرهنگ فولکلور» بیان

اندیشه‌های اجتماعی هنرمند در قالب زبان نسبتاً کودکانه است که شیوه‌ای هنرمندانه، روایتی «چندصدایی» را شکل می‌دهد (سلاجقه، ۱۳۸۷: ۴۷۳). شاملو این شعر را در سال ۱۳۳۳ در «زندان قصر» سروده و مخاطبانی را از قشرهای گوناگون از جمله کودکان و نوجوانان را با خود همراه کرده است.

— بارون: بارون میاد جرجر / گم شده راه بندر / ساحل شب چه دوره / آتش سیاه و شوره / ای خدا کشتی بفرست / آتیش بهشتی بفرست / جاده‌ی کهکشون کو / زهره‌ی آسمون کو / چراغ زهره سرده / تو سیاهیا می‌گرده / ای خدا روشنش کن / فانوس راه من‌اش کن / گم شده راه بندر / بارون میاد جرجر... (احمد شاملو، ۱۳۸۰: ۱۹۰-۱۸۹).

نوع دوم اشعار اجتماعی کودک و نوجوان، اشعاری است که تحت تأثیر تحولات اجتماعی در هر دوره شکل می‌گیرد. انقلاب مشروطیت خودبه‌خود بر ادبیات تأثیر فراوانی گذاشت و بیشتر از آن پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال آن جنگ تحمیلی، ادبیات؛ از جمله ادبیات کودک و نوجوان را تحت‌الشعاع قرار داد و ماهیت آن را نسبت به دوره‌های پیش تغییر داد.

— جریان‌های پیش از پیروزی انقلاب و بازتاب آن در شعر نوجوان: آن روز باران گلوله / بارید در میدان ژاله / پرپر شد از صدها گلوله / صدها گل زیبای لاله... (ابراهیمی، ۱۳۷۰: ۳۱).

— پیروزی انقلاب: مثل غنچه بود آن روز / غنچه‌ای که روئیده / در هوای بهمن‌ماه / بر درخت خشکیده / مثل آب بود آن روز / آب چشمه‌ای شیرین / چشمه‌ای که می‌بیند مرد تشنه غمگین / گرچه در زمستان بود / چون بهار بود آن روز / سرزمین ما ایران / لاله‌زار بود آن روز / روز خنده ما بود / روز گریه دشمن / روز خوب پیروزی / بیست و دوم بهمن (رحماندوست، ۱۳۹۰: ۱۱۳).

— جنگ: در هوای کوهستان / جشن نوبهاران بود / در نگاه شهر آن روز / انتظار

باران بود / خانه‌ها، خیابان‌ها / پر ز پیر و کودک بود / توی دست هر کودک / یک  
تفنگ کوچک بود / بچه‌های شهر آن روز / توی کوچه جنگیدند / باز هم پس از بازی  
/ دوستانه خندیدند / ناگهان زمین لرزید / تگه‌تگه شد خورشید / کودکی که می‌خندید  
/ خنده بر لبش خشکید / در «حلبچه» گل‌ها نیز / روی شاخه پژمردند / دسته‌دسته  
گنجشکان / توی آسمان مردند (شعبانی، ۱۳۷۶: ۲).

در عصر مشروطه، نسیم شمال، ایرج میرزا، بهار و... با طنزی گزنده و قوی و با  
زبانی که مناسب حال کودک آن عصر و دوره است، هم با «خرافات مذهبی مبارزه  
می‌کنند و هم با تجددهای غیردینی مخالفت می‌ورزند» (حسن‌لی، ۱۳۸۲: ۱۲۲).

اشرف‌الدین حسینی معتقد است: در صورت ستیزه با دشمن جهل است که می‌توان به  
آبادی آینده ایران امیدوار بود. او با بیان گاه جدی و گاه طنزآمیزش، کودکان را به فراگیری  
دانش ترغیب و آنان را به مدرسه رفتن و تحصیل علم و معرفت تشویق می‌کند.

امید که از لطف حق ایران شود آباد      شاهنشاه جم‌جاه به ملت کند امداد  
با ذوق به هر کوچه شود مدرسه ایجاد      اطفال بخوانند همه صوت اعداد  
(گیلانی، ۱۳۸۵: ۲۷۹)

او همواره در اشعارش، کودکان به خصوص دختران را که تا آن روز به آموزش آنان  
توجه نمی‌شد، به فراگیری علم می‌خواند و در جایی می‌گوید:

ای دختر من درس بخوان فصل بهار است      بیکار به خانه منشین موقع کار است  
یک چادری از عفت و ناموس به سر کن      آن گاه برو مدرسه تحصیل هنر کن  
(همان: ۳۱۰-۳۰۹)

شاعر به کودکان نصیحت می‌کند که از تحصیل غافل نشوند. او مخاطب کودک را از  
اهریمن بی‌علمی و فقر می‌ترساند و برای رهایی از چنگالش، مشق و تحصیل را  
پیشنهاد می‌کند:



مشو غافل از مشق و تحصیل و درس / ز بی‌علمی و فقر پیری بترس  
چو شد عارضت زرد و مویت سپید / دگر زندگانی نباشد مفید  
به جز علم کس نیست فریادرس / بود مونس اشرف‌الدین و بس  
(همان: ۸۳۲)

ایرج میرزا، ملک‌الشعراى بهار و دیگر شاعران مشروطه‌خواه نیز علم‌آموزی را لازمه رسیدن ایران به پیشرفت و تعالی می‌دانند و شعرهایی در وصف دانش و لزوم علم‌آموزی می‌سرایند.

به هر حال، شاعران هر روز بیشتر از قبل به سفارش ذهن خود یا احساس نیاز اجتماع به آموزش و تعلیم کودکان، برای آنان شعر، یا سرودند یا حتی ساختند. برای مناسبت‌های مختلف علمی و فرهنگی هم‌چون روز معلم، روز دانش‌آموز، روزهای فرهنگی چه قبل از انقلاب و چه پس از آن اشعاری برای مخاطب کودک و نوجوان گفتند:

— روز معلم: آمد دوباره / یک روز زیبا / روزی که پر شد از گل / مدرسه ما /  
روزی که شاد و زیبا / مثل بهشت است / روز دوازدهم از / اردیبهشت است / بیا با هم  
بخوانیم / بزرگ و کوچک / معلم عزیزم / روزت مبارک (نیک‌طلب، ۱۳۸۹: ۳۶).

— بازگشایی مدارس: سلام به صبح و خورشید / سلام به سبزه و آب / هزار، هزار،  
هزار بار سلام / به ابر و باد و آفتاب / سلام به آموزگار / که خوب و مهربان است / درود،  
درود به او که / همیشه خوش‌زبان است / سلام به یک روز خوب / روز دعا، نیایش /  
قدم، قدم، قدم رو / به سوی علم و دانش (قاسم‌نیا، ۱۳۸۸: ۳۶).

— تصویری از رفتن کودک به دبستان: باز هم موی مرا / مادرم شانه زده / روی  
پیراهن من / نقش پروانه زده / مادرم داده به من / کیف زیبای مرا / هست امروز قشنگ  
/ همه چیز و همه جا / پدرم باز مرا / می‌سپارد به خدا / می‌کشد بر سر من / دست پر  
مهرش را / روی لب‌های همه / خنده مهمان شده است / موقع رفتن من / به دبستان

شده است (شعبان‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۱).

— روز دانش‌آموز: شب رفت و از پشت کوه / خورشید تابان آمد / یک بار دیگر از راه / سیزده آبان آمد / روز تلاش و کوشش / روز علم و ایمان است / روز خوشحالی ما / فرزندان ایران است / با اینکه در پاییز است / روزی مثل نوروز است / روز سیزده آبان / روز دانش‌آموز است (نیک‌طلب، ۱۳۸۸: ۳۶).

— سرودن شعرهایی درباره کتاب و علاقه‌مند کردن کودکان به مطالعه: من یار مهربانم / دانا و خوش‌زبانم / گویم سخن فراوان / با آنکه بی‌زبانم / پندت دهم فراوان / من یار پند دانم / من دوستی هنرمند / با سود و بی‌زیانم / از من مباش غافل / من یار مهربانم (یمینی شریف، ۱۳۹۰: ۱۹).

### ج- تعلیم مفاهیم پایداری

از اصلی‌ترین ویژگی‌های ادبیات کودک و نوجوان، تعلیمی بودن آن است که به آن اشاره شد. کودکان و نوجوانان با خواندن شعر و قصه تنها لذت نمی‌برند بلکه از این راه، اطلاعات و آگاهی‌های جدیدی می‌آموزند و از آن جا که تأثیر آموزش در کودکی و نوجوانی دیرپا و همیشگی است، هیچ‌گاه شاعران مفاهیمی هم‌چون آزادی، وطن‌دوستی، پایداری در برابر ظلم و استبداد، دفاع از آب و خاک و شهادت را از نظر دور نداشته‌اند (حسام‌پور، ۱۳۷۸: ۱۲۲). اشعاری که پس از انقلاب اسلامی ایران برای کودکان سروده شد، سرشار از این مفاهیم و ارزش‌ها هستند؛ گرچه گاهی با علائق شاعر ترکیب شده‌اند، ولی دنیای رنگارنگ کودکان را به فضای واقعی نزدیک‌تر کرده‌اند. از روزگار سرودن حماسه‌ها که شعر بلند روایی است، درباره رفتار و کردار پهلوانان و رویدادهای قهرمانی و افتخارآمیز در زندگی باستان یک ملت (هادی محمدی، ۱۳۸۰: ۵۴)، پایداری در برابر ظلم و بیداد نمود محسوس دارد.

کودکان علاقه‌مند به شنیدن دلاوری‌ها و قهرمانی‌ها، به ویژه به زبان شعر، در همه

دوره‌ها بوده‌اند و اشاره شد که خاوران‌نامه که منظومه‌ای حماسی و دربارهٔ دلاوری‌های حضرت علی (ع) است در مکتب‌خانه‌ها تدریس می‌شد. بنابراین، پایداری مقوله‌ای نیست که مختص شعر بزرگسال باشد و کودکان از آن بی‌بهره باشند. هنوز هم بازی «گرگم و گله می‌برم، چوپون دارم و نمی‌ذارم» را فراموش نکرده‌ایم. بازی‌ای بی‌چگانه و منظوم که دنیایی حرف از استقامت، صبر، دلاوری و اتحاد برای کودکان دارد. در هر حال، شعر کودک و نوجوان به‌ویژه از زمان شکل‌گیری به صورت امروزی (دوران مشروطه) همواره به بحث پایداری در برابر استعمار، استبداد، دشمنان خارجی حتی نفس، وطن‌دوستی و خداخواهی توجّه نشان داده است، می‌توان جلوه‌های پایداری را در شعر کودک و نوجوان از مشروطه به این طرف یافت.

شاعران کودک و نوجوان که مضامین مقاومت و پایداری را در دوران جنگ تحمیلی در اشعار کودکان‌شان وارد کردند، فراوانند. شعر زیر از قیصر امین پور با استفاده از فضاسازی مناسب و به شیوهٔ غیرمستقیم و نمادین به بیان مفاهیم پایداری برای کودکان و نوجوانان پرداخته است:

باز هم اوّل مهر آمده بود / و معلّم آرام / اسم‌ها را می‌خواند: / اصغر پورحسین! /  
 پاسخ آمد: / - حاضر / - قاسم هاشمیان! / پاسخ آمد: / - حاضر / - اکبر لیلا زاد... /  
 پاسخش را کسی از جمع نداد / بار دیگر هم خواند: / - اکبر لیلا زاد / همه ساکت بودیم  
 / جای او این‌جا بود / اینک، اما تنها / یک سبد لالهٔ سرخ / در کنار ما بود / لحظه‌ای  
 بعد، معلّم سبد گل را دید / شانه‌هایش لرزید / همه ساکت بودیم / ناگهان در دل خود  
 زمزمه‌ای حس کردیم / غنچه‌ای در دل ما می‌جوشید / گل فریاد شکفت / همه پاسخ  
 دادیم: / - حاضر! / ما همه اکبر لیلازادیم! (امین پور، ۱۳۸۵: ۲۷).

#### نتیجه:

شاعران کودک و نوجوان در ایران از میان انواع ادبی، بیشتر به بعضی عناصر حماسی،

مضامین غنایی و اشعار تعلیمی توجه نشان داده اند. حماسه از آن حیث که کودکان همواره به شنیدن پهلوانی‌ها، اسطوره‌ها و قصه‌های پهلوانی علاقه مند بوده اند؛ درون مایه‌های عاطفی، همچون: خدا شناسی، نیایش، ستایش و عشق به مادر، پدر و معلم، مرثیه... در اشعار کودکان فراوان است و در حوزه ادبیات غنایی قرار می‌گیرد؛ شاعران بسیاری نیز از روزگار دور برای کودکان اشعاری تعلیمی سروده، در اشعارشان هیچ‌گاه از تعلیم و تربیت آنان غافل نبوده‌اند.

ایرج میرزا، بهار، نسیم شمال و پروین از مشهورترین شاعران دوره مشروطه اند که به اشعار کودکان پرداخته‌اند و بیشتر، مضامینی همچون: وطن دوستی، نابرابری‌های اجتماعی، ستایش مادر، حق استاد، نصیحت‌های پدر و مادر و... را با لحنی طنز آمیز و به شیوه‌ای داستانی و روایی در اشعار خود بیان کرده‌اند.

در دوره پهلوی نیز تحت تأثیر اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی، شاعرانی، همچون: نیما، گلچین گیلانی، پروین دولت آبادی، محمود کیانوش، احمد شاملو و... بیشتر به همان شیوه روایی و گاه ترانه سرایی با کودکان سخن گفتند. در عصر انقلاب اسلامی به منظور اهداف دینی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نهادهای گوناگون دولتی و خصوصی، همچون: کانون پرورش کودکان و نوجوانان، حوزه هنری سازمان تبلیغات، بنیاد حفظ و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و... در زمینه کودکان و نوجوانان ایجاد شد. در این دوره، ابتدا به ضرورت جنگ تحمیلی به اشعاری با درون مایه‌های پایداری و ارزشی و سپس به بیان مضامین مربوط به حال و هوای دوران کودکی و اشعار مناسبی، مانند: بازگشایی مدارس، روز معلم، اهمیت دانش و کتاب، احترام به پدر و مادر و... پرداخته شد.

#### منابع:

- ۱- آبادی، غزاله. (۱۳۶۵). «پریا خوش‌نشینی عناصر غریب»، پژوهشنامه کودک و نوجوان، شماره ۲۳، ۱۳۹-۱۳۴.

- ۲- ابراهیمی، جعفر. (۱۳۷۰). *باغ سبز شعرها*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۳- ابراهیمی، طاهره. (۱۳۸۷). *مجله رشد نوجوان*، سه‌شنبه ۸۷/۵/۱. ([www.tebyan.net](http://www.tebyan.net)).
- ۴- اعتصامی، پروین. (۱۳۸۳). *دیوان*. تصحیح ملک الشعرا بهار، تهران: ثالث.
- ۵- امین پور، قیصر. (۱۳۸۷). *منظومه ظهر روز دهم*، چ ۳، تهران: سروش.
- ۶- ایرج میرزا، جلال‌الملک. (۱۳۵۳). *دیوان*، به کوشش محمدجعفر محجوب، تهران.
- ۷- بهار، محمدتقی. (۱۳۸۲). *دیوان*، ج ۲، تهران: آزاد مهر.
- ۸- پارسا یعقوبی، احمد، پاییز. (۱۳۹۱). «بار تعلیمی جریان‌های شعر متعهد فارسی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دانشگاه آزاد اسلامی دهقان، ش ۱۵، ۱۹۸-۱۷۷.
- ۹- حجازی، بنفشه. (۱۳۸۵). *ادبیات کودکان و نوجوانان، ویژگی‌ها و جنبه‌ها*، تهران: روشنگران.
- ۱۰- حسام‌پور، سعید و دیگران. (۱۳۸۷). «سهم ادبیات پایداری در کتاب‌های درسی»، *نامه پایداری*، به اهتمام احمد امیری خراسانی، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۲۷-۱۲۴.
- ۱۱- حسن‌لی، کاووس و پارسا، سید احمد. (۱۳۸۴). «نسبیم شمال، فرزند زمان خویشتن»، *شاعر مردم (یادنامه اشرف‌الدین حسینی)*، به اهتمام علی اصغر محمدخانی، تهران: سخن، ۱۲۲-۱۲۱.
- ۱۲- خسرو نژاد، مرتضی. (۱۳۷۸). *دیگرخوانی‌های ناگزیر: رویکردهای نقد و نظریه‌ی ادبیات کودک*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۱۳- ----- (۱۳۸۲). *معصومیت و تجربه: درآمدی بر فلسفه ادبیات*

کودک، تهران: مرکز.

- ۱۴- جامی، عبدالرحمن. (۱۳۲۵). یوسف و زلیخا، تهران: انتشارات کتب ایران.
- ۱۵- حمزه ای، رودابه. (۱۳۷۶). مجموعه ای از مهربانی، تهران: حوزه هنری.
- ۱۶- درستی، احمد. (۱۳۸۱). شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۷- دهقان آزاد، مرتضی. (۱۳۷۷). بیچ بیچ پروانه‌ها، تهران: تربیت.
- ۱۸- دولت‌آبادی، پروین. (۱۳۷۷). بر قایق ابرها، ج ۲، شیراز: رهگشا.
- ۱۹- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۶۱). دیوان، تهران: سخن.
- ۲۰- ----- (۱۳۶۶). دیوان، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: تیراژه.
- ۲۱- راد، رابعه. (۱۳۷۷). مهمانی کوچک، تهران: سروش.
- ۲۲- رحماندوست، مصطفی. (۱۳۸۹). دوستی شیرین است، تهران: مدرسه.
- ۲۳- ----- (۱۳۹۰). «روز خوب پیروزی»، فارسی دوم دبستان، تهران: سازمان چاپ کتاب‌های درسی.
- ۲۴- رضی، احمد. (۱۳۹۱). «کارکردهای تعلیمی ادبیات فارسی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دانشگاه آزاد اسلامی دهقان، ش ۱۵، ۱۲۰-۹۷.
- ۲۵- روزبه، محمد رضا. (۱۳۸۱). ادبیات معاصر ایران (شعر)، تهران: روزگار.
- ۲۶- سپاهی یونس، عباسعلی. (۱۳۷۹). صبح و سیب، تهران: قو.
- ۲۷- سلاجقه، پروین. (۱۳۸۷). از این باغ شرقی (نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان)، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۲۸- سنگری، محمد رضا. (۱۳۸۲). «شعر کودک»، روشنان پژوهش، شماره ۱، ۹۶-۹۱.
- ۲۹- شاملو، احمد. (۱۳۸۰). مجموعه آثار، ج ۲، تهران: نگاه.

- ۳۰- شعبانی، اسدالله. (۱۳۶۸). زمین کوچک من، تهران: تبلیغات اسلامی.
- ۳۱- شعبان نژاد، افسانه. (۱۳۹۰). «راه مدرسه»، فارسی اول دبستان، تهران: اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی.
- ۳۲- ----- (۱۳۹۰). «کی دوست من می شه؟»، مجله آموزشی رشد کودک، شماره ۱۴۰، ۳۰-۲۹.
- ۳۳- ----- (۱۳۷۲). چتری از گلبرگ‌ها، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۳۴- شفیع، شاهده. (آبان ۱۳۸۹). «کتاب شعر»، مجله آموزشی رشد کودک، شماره ۱۳۳، ۲۰-۱۹.
- ۳۵- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۰). انواع ادبی، تهران: باغ آینه.
- ۳۶- صفا، ذبیح الله. (۱۳۷۸). حماسه‌سرایی در ایران، تهران: فردوس.
- ۳۷- طغیانی، اسحاق و خدایار مختاری. (۱۳۹۱). ابعاد تربیتی قصه‌های پروین، مجموعه مقالات همایش ملی ادبیات تعلیمی و گونه‌های آن، ج ۲، به کوشش احمد رضا یلمه‌ها، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان، ۷۹۹-۷۸۵.
- ۳۸- عبید زاکانی. (۱۳۸۴). کلیات، شرح و تصحیح: پرویز اتابکی، تهران: زوآر.
- ۳۹- علاء، افشین. (۱۳۷۷). نسیم دختر باد، تهران: مشروطه؛ CD پنجمین همایش ترویج زبان و ادب فارسی، ۱۰-۱۵.
- ۴۰- فریومدی. ابن‌یمین. (۱۳۴۴). دیوان، به کوشش حسینعلی باستانی‌فرد، تهران: سنایی.
- ۴۱- قاسم‌نیا، شکوه. (۱۳۷۷). به خاطر خروسه، تهران: بنفشه.
- ۴۲- ----- (۱۳۸۹). «تو بهترین بابایی»، مجله رشد کودک، شماره ۱۳، ۲۳۶-۲۳۵.

- ۴۳- قاسم زادگان، حمید. (۱۳۸۷). «شاهکار ادبیات کودک و نوجوان کی خلق می‌شوی؟»، کتاب ماه کودک و نوجوان، س ۱۲، ش ۴، ۴۸-۴۶.
- ۴۴- کسرائی، سیاوش. (۱۳۸۳). *گزینه اشعار*، تهران: مروارید.
- ۴۵- کیانوش، محمود. (۱۳۵۵). *شعر کودک در ایران*، تهران: آگه.
- ۴۶- ----- (۱۳۶۹). *طوطی سبزه هندی*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۴۷- کشاورز، ناصر. (۱۳۷۷). *میوه‌هایشان سلام! سایه‌هایشان نسیم*، تهران: بنفشه.
- ۴۸- ----- (۱۳۸۸). «اتل متل» درس، *مجله رشد کودک*، شماره ۱، ۱۲۵-۲.
- ۴۹- گلچین گیلانی، مجدالدین میر فخرایی. (۱۳۵۰). *گلی برای تو*، تهران: سخن.
- ۵۰- گیلانی، سید اشرف‌الدین. (۱۳۸۵). *کلیات جاودانه نسیم شمال*، به کوشش: حسین نمینی، تهران: اساطیر.
- ۵۱- مصاحب، غلامحسین. (۱۳۸۰). *دایره‌المعارف فارسی*، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- ۵۲- موسوی گرمارودی، سیدمصطفی. (۱۳۸۲). *شعر کودک از آغاز تا امروز*، تهران: وزارت فرهنگ.
- ۵۳- مزینانی، محمد کاظم. (۱۳۷۷). *خدای جیرجیرک‌ها*، تهران: پیدایش.
- ۵۴- ملا محمدی، مجید. (۱۳۷۸). *آواز باران*، تهران: قو.
- ۵۵- نیمایوشیج. (۱۳۸۱). *دیوان*، به کوشش محمد حقوقی، تهران: نگاه.
- ۵۶- نوبهار، نگار. (۱۳۸۷). «پاتک به لحظه‌های مخاطب»، کتاب ماه کودک و نوجوان، سال دوازدهم، شماره ۴، ۷۲-۷۳.
- ۵۷- نظرآهاری، عرفان. (۱۳۷۶). *پشت کوچه‌های ابر*، تهران: نیستان.



- ۵۸- ----- (تابستان ۱۳۷۹). «در شعر نوجوان گرگی در کمین نیست»،  
پژوهشنامه کودک و نوجوان، سال ششم، شماره ۲۱، ۱۲-۱۱.
- ۵۹- نیک‌طلب، بابک. (۱۳۷۹). مجموعه شعر برای کلاس اولی‌ها، تهران: زیتون.
- ۶۰- ----- (۱۳۸۸). «روز دانش آموز»، مجله آموزشی رشد، شماره ۱۸،  
۱۲۶-۱۲۵.
- ۶۱- ----- (۱۳۸۹). «کتاب نو»، مجله آموزشی رشد، شماره ۱۹، ۱۳۳-۱۳۴.
- ۶۲- ----- (۱۳۸۹). «روز معلم»، مجله آموزشی رشد، شماره ۱۸، ۱۳۱-۱۳۲.
- ۶۳- ----- (۱۳۸۹). «ماه تشنگی»، مجله آموزشی رشد، شماره ۱۳، ۳۴۴-  
۳۴۳.
- ۶۴- ----- (۱۳۸۹). «بچه‌ها به صف»، مجله آموزشی رشد، شماره ۱۳۲،  
۳۶-۳۷.
- ۶۵- هادی محمدی، محمد و قاینی، زهره. (۱۳۸۰). تاریخ ادبیات کودکان ایران،  
تهران: چیستا.
- ۶۶- هراتی، سلمان. (۱۳۸۷). از این ستاره تا آن ستاره، تهران: سوره مهر وابسته به  
حوزه هنری.
- ۶۷- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۵). جویبار لحظه‌ها، ادبیات معاصر فارسی، نظم و نثر،  
تهران: جامی.
- ۶۸- یمینی شریف، عباس. (۱۳۴۵). آواز فرشتگان، تهران، سازمان کتاب‌های طلایی  
وابسته به انتشارات امیرکبیر.
- ۶۹- ----- (۱۳۹۰). «کتاب خوب»، فارسی دوم دبستان، تهران: اداره کل  
چاپ و توزیع کتاب‌های درسی.